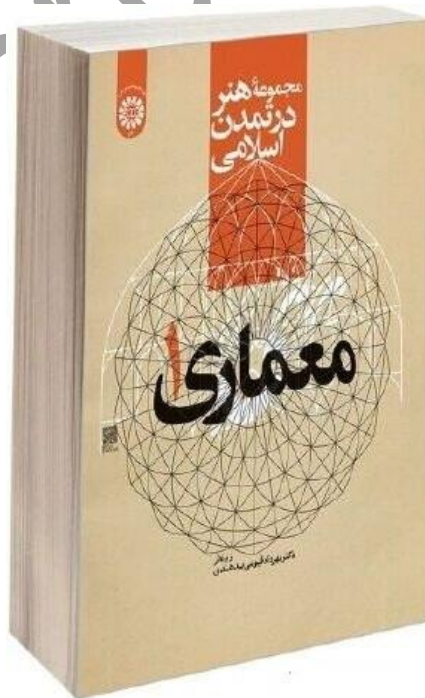
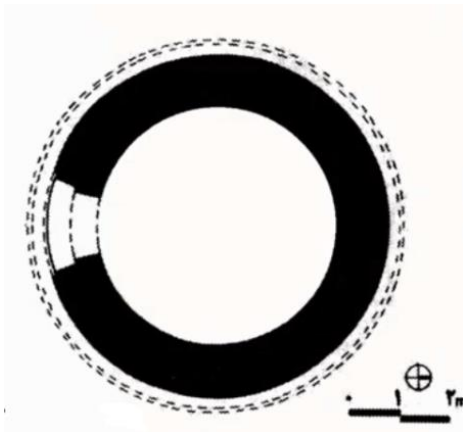
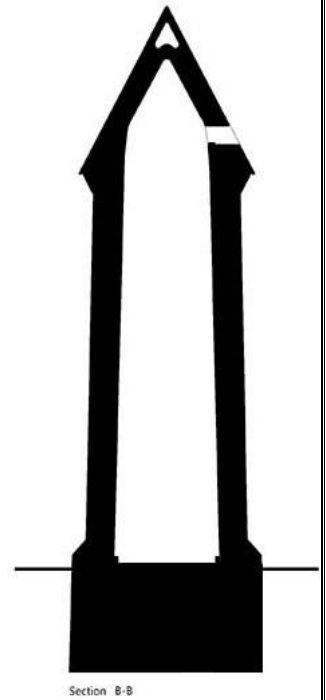
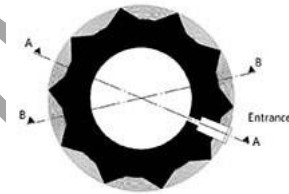


" خلاصه کتاب مجموعه هنر در تمدن اسلامی - جلد اول "

" معماری آل زیار (زیاریان) "



معماری روزگار زیاریان :

مورخان دو سلسله پادشاهان ایرانی را دیلمیان (دیالمه) خوانده اند : بوئیان (آل بویه) و زیاریان (آل زیار). دجه تسمیه دیلمیان این است که هر دو از سرزمین دیلم در شمال کوهستان البرز برخاستند و با هم تعاملات زیادی داشتند.

آل زیار (316 تا 441 ه.ق) چند سال زودتر از آل بویه به قدرت رسیدند. این سلسله به دست مرداویج در سال 316 ه.ق پا گرفت. سلسله زیاریان از جهت سیاسی، لرزان بود؛ چرا که آنان همواره در کشمکش با آل بویه بودند و گاهی از سامانیان کمک می گرفتند. آنان در مدتی کوتاه بر بخش های شمالی و مرکزی ایران، سیطره یافتند اما با همان سرعت، قلمروی خود را از دست دادند.

سه تن از مهم ترین پادشاهان آل زیار، مرداویج، قابوس بن وشمگیر و عنصر المَعالی کی کاووس بن اسکندر بن قابوس (نویسنده قابوس نامه) بودند که مرداویج و قابوس در مقام حامی معماری بودند. مرداویج علاقه زیادی به ایران باستان داشت. به طور مثال دستور داد تاج زرینی مانند تاج انوشیروان برای او بسازند؛ همچنین دستور داد ایوان کسری (از آثار دوره ساسانیان) را بازسازی کنند تا وقتی به بغداد رفت، به آنجا برود. همچنین در جیل آباد (شرق شهر ری)، به دستور او ساختمان ها، ایوان ها و طاق های بلند و استخرها و گردشگاه های زیبا ساختند.

قابوس وشمگیر از دیگر پادشاهان آل زیار بود که زندگی و حکومتش به قبل و بعد از تبعید 18 ساله اش به خراسان تقسیم می شود. کاروان سرای قابوس در نیشابور، احتمالاً یکی از بناهایی است که در دوران تبعید او در خراسان ساخته شده است. برج مقبره او هم از گزند بلایای طبیعی و ویران مهاجمان، در امان مانده است. خلیفات او بعد از تمام شدن تبعید و دوباره قدرت گرفتنش، تغییر کرد. او از در آشتیا سلطان محمود غزنوی در آمد که رسماً از خلفای عباسی منشور و لوا داشت. او برای نزدیکی به خلیفه بغداد و تبرئه در افکار عام، به مخالفت با شیعه پرداخت. در نهایت هم اهل خاندانش، او را خلع کردند و در نهایت از سرما و گرما جان باخت. در کل او اهل شعر و علم و ادب بود و به نجوم هم علاقه و اشراف داشت. ابوریحان بیرونی یکی از کتابهای مهم خود را در دربار او نوشت و به او تقدیم کرد.

مقابر برجی باوندیان :

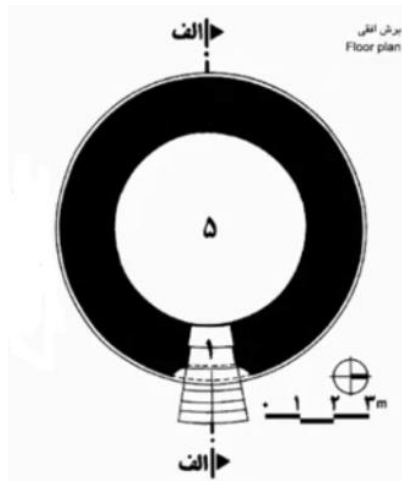
باوندیان سلسله ای از امیران محلی بودند، منسوب به باوندی شاپور از نوادگان قباد (پادشاه ساسانی) که در بخش هایی از مازندران و گیلان حکومت می کردند. آنان با دیلمیان در کشش بودند. سه مقبره برجی از آنها به جای مانده است که اندکی بعد از ساخت گنبد قابوس و متاثر از آن ساخته شده اند که البته از حیث ابعاد و اندازه و هندسه و خوش ساختی قابل مقایسه با گنبد قابوس نیستند.

درباره کارکرد این بناهای برجی، ملانی میکیلیوس بحث کرده است که معتقد است در نزد فرمانروایان شمال ایران در **سده پنجم**، صورت برجی با **مقابر شاهانه ساسانیان**، آشکارا نسبت داشته است. به باور او باوندیان می خواستند بر میراث باستانی و انساب ساسانی شان تاکید کنند.



1) برج لاجیم، سواد کوه مازندران، 413 ه.ق :

مقبره یکی از پادشاهان باوندی است. بنایی استوانی با گنبد دوپوش؛ پوسته بیرونی **رک مخروطی** و درونی **نار** است. ترکیبی که مدت‌ها در شمال البرز متداول بود. این برج با ارتفاع 18 متر با آجر تراش ساخته شده است. ورودی آن در سمت شرق بناست. در بخش فوقانی بنا، دو ردیف کتیبه به **عربی** و **پهلوی** دارد و بالای این کتیبه‌ها، ردیفی از کاوهای کوچک به شکل کنگره قرار دارد.



پلان، نمای برج لاجیم

